



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تالار معارف اسلامی

قلمرو فرهنگ و زبانهای ایرانی در سمپوزیم دانمارک

عرض و طول بیشتری می‌طلبید، پیرامون مسائل مربوط به ایران با گستردگی دامنه‌ای که دارد نسبت به دهه‌های گذشته در داخل و خارج فزونی گرفته، به طوری که اگر دقت کنیم، هفته‌ای و گاه روزی نیست که عده‌ای در گوشه‌ای از جهان دور هم ننشینند و پیرامون موضوع و مسئله‌ای مربوط به این سرزمین به بحث و گفت‌وگو نپردازند، در اینجا گوشه چشم ما تنها به مسائل تاریخی و فرهنگی و فکری است و الا اگر کنفرانسها، میزگردها و... مربوط به علوم محض را، که مرز و ملیت نمی‌شناسد بر این بیفزاییم، آمار و ارقام از این هم فراتر می‌رود. باعث و بانی این نوع جلسات هر دستگاه و سازمان و حتی هرکسی می‌تواند باشد، از دولت، با زیرمجموعه وسیعی که دارد، گرفته تا بنیادها و سازمانهای فرهنگی و انتفاعی و غیرانتفاعی و حتی افراد خیرمند و نیک‌اندیش همه در این امر سهیم‌اند و هرکس و هر دستگاهی بسته به علاقه و سلیقه خود در

نگران آینده ایران‌شناسی نباشید. از بخت نیک آنقدر همت و علاقه در بین ایران‌شناسان و ایران‌دوستان و آنقدر نقطه روشن و امیدوارکننده در فرهنگ ایرانی هست که بتواند بر هر دغدغه‌ای از این بابت راه را ببندد و به آنها که روزی به بحران ایران‌شناسی می‌اندیشیدند، امیدواری بدهد. در کنار این روشنیها، نکته‌های تاریک و ناروشن هم در این فرهنگ، آنقدر هست که بتواند تا قرن‌ها موضوع پژوهش و تحقیق قرار گیرد و چراغ ایران‌شناسی را روشن نگه دارد، بگذریم که معرفتهای نوین دنیای جدید هم هر روز می‌تواند به آیینی نو، کهنه‌ها را بازاندیشی کند. خوشبختانه خوف دولتی شدن و سیاسی کاری هم که روزی جدی بود و به مثابه مهم‌ترین آفت اینگونه پژوهشها به شمار می‌رفت قدری کم شده است.

شوق برگزاری کنفرانس، سمپوزیم، مجمع، جلسه، همایش، هم‌اندیشی، میزگرد، کارگاه (Workshop)، و حتی کنگره، که معمولاً



نگاره: سید محمد باقر باقری

زمینه‌ای اهتمام می‌ورزد و در روشن نگه داشتن این چراغ سهمی برعهده می‌گیرد.

سهمی که در این میان سمینارها، کنگره‌ها، سمپوزیومها و مجامع علمی خارج از کشور برعهده دارند، به ویژه از نگاه کیفی و میزان دستاوردی که از آن عاید می‌شود، به هیچ وجه از آنچه در داخل و عمدتاً با حمایت دولت صورت می‌گیرد، کمتر ارزیابی نمی‌شود، به ویژه که بانیان آن طیف وسیعی از مؤسسات، بنیادها، انجمنها، بخشهای مطالعات خاورمیانه دانشگاهها و مراکز علمی و بالاخره افراد نیکوکار را دربرمی‌گیرد. مهم ترین مسئله برای برگزاری اینگونه محافل، بعد از کارگردانی علمی جنبه‌های مالی و هزینه‌های آن است که آنهم باسادگی و حذف تشریفات زائد به حداقل می‌رسد و همان حداقل هم عموماً از محل عواید حاصل از حق ثبت نام اعضا تأمین می‌شود. توضیح آنکه معمولاً در اینگونه محافل به شیوه غربی علاوه

بر اینکه تمام هزینه‌های مربوط به شرکت افراد برعهده خود آنان یا مؤسسات متبوع آنهاست، از هر شرکت کننده مبلغی به عنوان حق ثبت نام هم دریافت می‌شود که به مصرف هزینه‌های مختصر برگزاری مراسم می‌رسد، و همین خود سبب می‌شود که عموماً افراد بی‌انگیزه و غیرمتخصص از دور اینگونه محافل حذف شوند و آنها که می‌مانند بیشتر دلسوخته و هدفدار باشند، استثناها را در هر مورد البته نمی‌توان به کلی نادیده گرفت.

نکته دیگری که در محافل علمی خارج از کشور بیشتر لحاظ می‌شود، انتخاب حوزه‌های محدود و تخصصی است که اغلب و به ویژه جلسات کوچک تر به گوشه باریکی از موضوع بسنده می‌کنند و از گستردگی کار و پرداختن به مسائل کلی و عمومی درمی‌گذرند، اگر فی‌المثل کنگره‌ای به دلایل خاص دامنه و گستره وسیع تری پیدا کرد معمولاً در داخل خود به بخشهای تخصصی (Panel)

کوچک تری تقسیم می شود که اغلب به موازات و همزمان برگزار می شوند، در نتیجه باز هم موضوع تخصص به نحوی لحاظ می گردد. به همین دلیل در برخی موارد سخنرانان نه از طریق فراخوان عام که به طور مستقیم و به نام به کنفرانس دعوت می شوند. برای نمونه همین سمپوزیوم «متنهای دینی در زبانهای ایرانی» (Religious Texts In Iranian Languages) که طی روزهای ۱۸ تا ۲۲ ماه می ۲۰۰۲ (برابر با ۲۸ اردیبهشت تا ۱ خرداد ۱۳۸۱) در دانمارک برگزار شد، از زمره اینگونه کنفرانسهای تخصصی و محدودی بود که در حد خود می توانست دستاورد سزاوار توجهی داشته باشد. موضوع سمپوزیوم، چنانکه می بینید، هرچند به دلیل تنوع زبانهای ایرانی می تواند گسترده تلقی شود، اما به دلیل حصر آن به متنهای دینی دامنه کار تا حد زیادی جمع و محدود می شود، گرچه به عبارتی فراخ تر، کمتر متنی در زبانهای ایرانی یافت می شود که به کلی از حوزه نفوذ دین برکنار مانده باشد. به دیگر سخن ممکن است در زبانهای ایرانی پاره ای متون علمی و ظاهراً غیردینی باشد، اما متنهای لائیک، به مفهومی که امروز می شناسیم، تا یکصد سال پیش تقریباً وجود نداشته است و بعد از آنهم چندان نیاید زیاد باشد. میزبان سمپوزیوم دانشگاه کپنهاک و محل برگزاری جلسات آکادمی سلطنتی دانمارک بود. نام دانمارک را در عرصه تحقیقات ایرانی، آرتور کریستن سن (۱۹۴۵-۱۸۷۵) زیانزد کرده که بیشتر آثار او درباره آیین زرتشتی و تاریخ ایران پیش از اسلام اغلب به فارسی ترجمه شده است، البته نام دانمارک برای کودکان ایرانی هم با قصه های هانس کریستیان آندرسن و برای عامه بزرگسالان با پنیر و شیرینی دانمارکی همیشه شیرین و کام نواز بوده است. تحقیقات ایرانی در دانشگاههای دانمارک اکنون به همت گروهی دیگر و در رأس آنها پروفیسور آسموسن، که رئیس افتخاری همین سمپوزیوم هم بود و با وجود کهولت سن، عصا زنان، در اغلب جلسات حاضر می شد، ادامه یافته است و انستیتو مطالعات ایرانی دانشگاه دانمارک هم پروژه های تحقیقاتی در زمینه ایران شناسی را دنبال می کند.

سمپوزیوم ساعت یک و نیم بعد از ظهر روز شنبه ۲۲ می (۱۲ خرداد) با سخنان افتتاحی پروفیسور وهمن، دبیر جلسه، آغاز شد و با صحبت کوتاه پروفیسور آنتونیو پانائینو (A. Panaino) رئیس «انجمن اروپایی مطالعات ایرانی» که سمپوزیوم با حمایت او برگزار می شد، ادامه یافت. سخنان این دو کلی بود و بیشتر جنبه اطلاع دهندگی در مورد کم و کیف ایران شناسی در دانمارک و ایتالیا و چگونگی برگزاری و اجرای سمپوزیوم داشت، و هر دو تن سخنرانیهای علمی خود را طی روزهای بعدی جلسه طبق برنامه اعلام شده ایراد کردند. جلسات علمی سمپوزیوم در واقع بعد از این دو نطق مقدماتی با سخنرانی کلیدی پروفیسور شاکد (S. Shaked) از دانشگاه اورشلیم تحت عنوان «ملاک ایرانی متون و نوشته های مقدس» (The Iranian Canon of Scriptures and Writings) آغاز گردید و از فردای آن به طور منظم ادامه یافت.

علاوه بر دو نطق افتتاحی، در این سمپوزیوم بر روی هم سی سخنرانی علمی ایراد شد و با برنامه بندی درست و منظمی که شده بود تقریباً در مورد هر سخنرانی هم میان پنج تا ده دقیقه پرسش و پاسخ و مذاکره علمی صورت گرفت که می توانست برای متخصصان و علاقه مندان به هر مورد سودمند باشد. سخنرانان به قرار معلوم از طرف مسئولان سمپوزیوم دست چین و ظاهراً به نام دعوت شده بودند، بنابراین مجلس کاملاً تخصصی بود و جز سه چهار تن از شرکت کنندگان که بدون ارائه مقاله ای هر کدام به دلیلی و مناسبتی در جلسه حضور داشتند، بقیه تقریباً همگی صاحبان مقالات و در

حوزه کاری خود صاحب نظر بودند. هر سخنران میان ۲۰ تا ۲۵ دقیقه فرصت داشت که حاصل پژوهش خود را ارائه کند و تقریباً همگی به موقع و اغلب پیش از اخطار رئیس جلسه مطلب را تمام می کردند و فرصت را برای طرح پرسشها و ارائه پیشنهادها بازمی گذاشتند. این مایه نظم و آرامش و انضباط، که البته مقداری هم ناشی از محدودیت و جمع و جور بودن جلسه بود، می توانست محتوا و دستاورد محفل را بیشتر کند و سزاوار سپاس از هیأت برگزارکننده باشد.

از سی سخنرانی ایراد شده در یک نگاه کلی دوازده مورد مربوط به متنهای زردشتی، یکی مربوط به آیین مانوی، یکی مربوط به اساطیر کهن ایرانی، دو سخنرانی درباره متنهای یزیدی، و دوازده مورد دیگر مربوط به زبان دوره اسلامی و دو سخنرانی هم عبارت بود از مقایسه ای میان متنی از دوره اسلامی با متنهای کهن زردشتی. از دوازده مورد دوره اسلامی، پنج مورد به تصوف، سه مورد به متون خاص تشیع، دو مورد به متنهای مربوط به بها و یک مورد به باب و مورد آخر هم به حروفیه ارتباط داشت. سه مورد مربوط به تشیع عبارت بود از بحثی که صاحب این قلم در بخش عمده مقاله خود، که به منظور و گسترش تفسیرهای کهن فارسی مربوط می شد، در مورد تفسیر **روض الجنان و روح الجنان** شیخ ابوالفتح رازی کرده بود و یک تن از دانشگاه اویسالا، داهلن (A. Dahlen) که به اسلام پست مدرن در آثار عبدالکریم سروش پرداخته بود و بالاخره کلووس پدرس (C. Pedersen) از دانشگاه کپنهاک که «شریعی و مذهب راستین» را عنوان مقاله خود انتخاب کرده بود.

کمیت بالای مقالات مربوط به زبانهای پیش از اسلام، به نسبت حجم آثاری که از دوره اسلامی به دست ما رسیده، تا حدی می توانست به گرایش و زمینه پژوهشی همکاران بخش ایران شناسی و انستیتو مطالعات ایرانی دانشگاه کپنهاک و به ویژه به دست و دل و حوزه تخصصی دبیر سمپوزیوم مربوط باشد که «می برد آنجا که خاطر خواه اوست».

گستره زمانی سخنرانیها، با همه محدودیتی که موضوع آن داشت، چنانکه می بینید، بسیار فراخ و از عهد اساطیری پیش از تاریخ تا همین امروز را شامل می شد، کما اینکه به لحاظ موضوع هم تقریباً اصلی ترین مذاهب ایرانی از کهن باورهای اسطوره ای و عمده ترین جنبشهای دینی سده های گذشته گرفته تا پست مدرنیسم تشیع در قرن بیست و یکم در این محفل برای خود جایی داشت. تنها از میان آیینهای کهن ایرانی، از آیین مهری (میترائیسم)، که همزمان با ظهور مسیحیت دنیای غرب را مسخر خود کرده بود، صحبتی نبود و در میان نهضت های مذهبی دوره اسلامی هم جای بحثی در مورد متون اسماعیلیه خالی به نظر می رسید. توزیع مکانی سخنرانان هم می رفت که همه جهان را شامل شود. بیست و هفت تن از صاحبان مقالات از یازده کشور بزرگ جهان به کشور کوچک اما زیبا و پر نشاط دانمارک، دعوت شده بودند: از آمریکا و آلمان هر یک پنج تن؛ انگلستان چهار تن؛ سوئد سه تن؛ نروژ، ایتالیا و جمهوری ارمنستان هر کدام دو تن و بالاخره فرانسه، ایران، سوئیس و بیت المقدس هر کدام یک تن، سه تن بقیه هم میزبان بودند و اساساً در خود دانمارک سکونت داشتند. اگر از ژاپن و شرق دور هم کسی به این جلسه دعوت شده بود می توانستیم ادعا کنیم که نمایندگان ایران شناسی ربع مسکون (به تعبیر قدما) در محلی کوچک و زیر یک سقف گرد هم آمده اند. وقتی به مناسبتی جای خالی ژاپنیها را در این محفل به دبیر سمپوزیوم یادآوری کردم، دیدم که به این نقصان توجه دارد و بودجه و مشکلات اجرایی کار را مطرح می کند.

سخنرانان ایرانی دعوت شده به سمپوزیوم بر روی هم هفت تن

می شدند، که تنها یکی از آنان (دکتر نصرالله پورجوادی) از ایران و بقیه به ترتیب از آمریکا (دوتن)، آلمان، سوئیس، دانمارک (هرکدام یک تن) و بالاخره صاحب این قلم که از انگلستان به جمع حاضر پیوسته بود. زبان فارسی، چنانکه خواهیم گفت، برای همه سخنرانان آشنا و گوشنواز و بعد از انگلیسی زبان مشترک تمامی حاضران در جلسه بود.

اظهار نظر در مورد محتوای مقالات مربوط به متون پیش از اسلام، به دلیل عدم ورود، از عهده من ساخته نیست، بنابراین آشکارا از ورود به این مبحث طفره می روم و تنها به دوسه نکته که در برخی مقالات دوران اسلامی توجه و علاقه مرا جلب کرده است، اشاره می کنم و می گذرم، بدون آنکه معتقد باشم این اشاره ها برای خواننده به معنی نوعی ارزشگذاری یا وجه ترجیح قلمداد شود.

گارتیک آساتریان از کشور ارمنستان در مقاله خود با عنوان "The Yezidi Divina Commedia" Ali, the Lion of God in the Hereafter" به معرفی متنی فولکلوریک مربوط به یزیدیان منطقه آرماویر (Armavir) جمهوری ارمنستان پرداخت که در آن به نحو شگفت انگیزی شخصیت حضرت علی (ع) با عنوان «علی شیر خدا» مورد توجه و احترام قرار گرفته و با ارداویراف زردشتی تلفیق شده است. این در حالی است که یزیدیان هرگونه ارتباطی با اسلام را انکار می کنند و بر خصومت دیرین خود با شیعه پای می فشرند.

نصرالله پورجوادی لال متون عربی اولیه و بالاخص متنهای بریجانه چند عبارت دینی فارسی مربوط به قرنهای اول تا سوم هجری یافته بود که اغلب در نسخه های مغلوط ضبط شده و نمی توانسته است قرائت برای آنها پیشنهادهایی ارائه دهد. برخی از این عبارات برای هر دو گروه در زمینه علاقه مند بودن تازگی داشت و تداوم نیز تا سده های اسلامی ادامه می یافت.

دوینا پورجوادی در مقاله خود که پایاں به پایان می رسد، به بررسی و تفسیر این عبارات پرداخته و نشان می دهد که این عبارات در واقع بازتابی از عقاید زردشتی و آیینهای آن بوده است. او با اشاره به این که این عبارات در نسخه های مغلوط ضبط شده و نمی توانسته است قرائت برای آنها پیشنهادهایی ارائه دهد، برخی از این عبارات برای هر دو گروه در زمینه علاقه مند بودن تازگی داشت و تداوم نیز تا سده های اسلامی ادامه می یافت.

در این مقاله به بررسی و تفسیر این عبارات پرداخته و نشان می دهد که این عبارات در واقع بازتابی از عقاید زردشتی و آیینهای آن بوده است. او با اشاره به این که این عبارات در نسخه های مغلوط ضبط شده و نمی توانسته است قرائت برای آنها پیشنهادهایی ارائه دهد، برخی از این عبارات برای هر دو گروه در زمینه علاقه مند بودن تازگی داشت و تداوم نیز تا سده های اسلامی ادامه می یافت.

از دانشگاه آکسفورد است. او در سال ۱۹۸۰ میلادی از دانشگاه آکسفورد فارغ التحصیل شد و در سال ۱۹۸۲ میلادی از دانشگاه آکسفورد دکتری گرفت. او در سال ۱۹۸۳ میلادی به ایران مهاجرت کرد و در سال ۱۹۸۴ میلادی به تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۹۸۵ میلادی به تهران مهاجرت کرد و در سال ۱۹۸۶ میلادی به تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۹۸۷ میلادی به تهران مهاجرت کرد و در سال ۱۹۸۸ میلادی به تهران مهاجرت کرد.

شیرینی خاصی در قریب این اخبار است که می توانیم در پارک زیبای زر در تهران مشاهده کنیم. میهمانان را با اشاره به این عبارات می توانیم متشاطر پذیرایی پایانی را با کام جان آنان ماندگار کرد. سمپوزیوم به ریاست و یاد احمد... که شش... به نحو مرموزی سر به... شد و مرگ... آرام و متواضعانه گذشت، برپا شده بود و دبیر... در جلسه...

با درد و دریغ نام و یاد او را بسزا گرامی داشت و عکسی محبوب و آرام از او که در تمام جلسات روی میز رئیس جلسه بود این یاد را استمرار بخشید.

از برنامه های جانبی که برای اعضای سمپوزیوم در نظر گرفته شده بود، بازدید از گنجینه هنرهای اسلامی در مجموعه دیوید (David Collection) بود که نام ایران و اسلام را بر تارک این مجموعه قرار می داد. مجموعه دیوید عبارت است از یک مجموعه کاملاً خصوصی مربوط به شخصی علاقه مند و باذوق به نام David Samliny (۱۹۶۰-۱۸۷۸) که با انگیزه و علاقه شخصی او در دهه های نیمه اول سده بیستم فراهم آمده است. بخش اسلامی مجموعه که در واقع غنی ترین بخش آن به شمار می رود متعلق است به انواع هنرهای سنتی اسلامی از کاشی و سفال و کتیبه ها و خطاطیها گرفته تا نقاشیها و مینیاتورها و دست ساخته ها و دست بافته ها متعلق به همه کشورهای اسلامی از اسپانیا در غرب تا ایران و هند در شرق، مخصوصاً حضور آثار متعلق به ایران و کتیبه ها و نسخه های خطی فارسی و مینیاتورهای ایرانی از جمله مجالس و صحنه هایی از شاهنامه شاه اسماعیل و شاه طهماسب و چند سطر از قرآن معروف بایسنغری، که صفحات کاملی از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی محفوظ است، چشمگیر بود. مخصوصاً چند کاشی ستاره مانند متعلق به سده های هفتم و هشتم هجری با اشعاری از داستان رستم و سهراب و یک رباعی با تاریخ ۷۵۷ توجه مرا جلب کرد. برخی قرآنها ی کهن با ترجمه فارسی هم در این مجموعه به نمایش گذاشته بودند که با برخی از قرآنها ی خوب کتابخانه آستان قدس پهلومی زد.

بیشتر این کاشی و مینیاتور ایرانی در این مجموعه که از این جهت از متروپولیتن نیویورک که به خوبی به نمایش گذاشته شده است، خوب است این کتیبه ها و خطاطیها را می توان در این مجموعه دید. در این مجموعه که فضای مجموعه را دربر می گیرد، دروغ بیگانه هم قرار گرفته بودند. به قرار می شود که در آینده...

اما زبان دل و بدیم جز سه چهارم باقیه، با ظاهر به عنوان ابزار اشتیاق زبان و کرمه و بدان دل...

میتوانیم در پارک زیبای زر در تهران مشاهده کنیم. میهمانان را با اشاره به این عبارات می توانیم متشاطر پذیرایی پایانی را با کام جان آنان ماندگار کرد. سمپوزیوم به ریاست و یاد احمد... که شش... به نحو مرموزی سر به... شد و مرگ... آرام و متواضعانه گذشت، برپا شده بود و دبیر... در جلسه...

میتوانیم در پارک زیبای زر در تهران مشاهده کنیم. میهمانان را با اشاره به این عبارات می توانیم متشاطر پذیرایی پایانی را با کام جان آنان ماندگار کرد. سمپوزیوم به ریاست و یاد احمد... که شش... به نحو مرموزی سر به... شد و مرگ... آرام و متواضعانه گذشت، برپا شده بود و دبیر... در جلسه...

میتوانیم در پارک زیبای زر در تهران مشاهده کنیم. میهمانان را با اشاره به این عبارات می توانیم متشاطر پذیرایی پایانی را با کام جان آنان ماندگار کرد. سمپوزیوم به ریاست و یاد احمد... که شش... به نحو مرموزی سر به... شد و مرگ... آرام و متواضعانه گذشت، برپا شده بود و دبیر... در جلسه...

میتوانیم در پارک زیبای زر در تهران مشاهده کنیم. میهمانان را با اشاره به این عبارات می توانیم متشاطر پذیرایی پایانی را با کام جان آنان ماندگار کرد. سمپوزیوم به ریاست و یاد احمد... که شش... به نحو مرموزی سر به... شد و مرگ... آرام و متواضعانه گذشت، برپا شده بود و دبیر... در جلسه...

میتوانیم در پارک زیبای زر در تهران مشاهده کنیم. میهمانان را با اشاره به این عبارات می توانیم متشاطر پذیرایی پایانی را با کام جان آنان ماندگار کرد. سمپوزیوم به ریاست و یاد احمد... که شش... به نحو مرموزی سر به... شد و مرگ... آرام و متواضعانه گذشت، برپا شده بود و دبیر... در جلسه...